

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۱ اسفند ۱۳۹۷
مصادف با: ۲۴ جمادی الثانی ۱۴۴۰
جلسه: ۴۱

موضوع کلی: تفسیر سوره بقره
موضوع جزئی: آیه ۳۰_ مفردات

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَاللَعْنُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ﴾

مفردات آیه ۳۰

در مورد آیه ۳۰ پیرامون معنای کلی آیه و تناسب آیه با آیات قبل و بعد نکاتی را عرض کردیم. مطلب دیگری که طبق روال معهود در تفسیر آیات باید بیان کنیم درباره مفردات آیه است. البته آن آیاتی که احتیاج به توضیح مفرداتش باشد ما این کار را انجام می‌دهیم هر چند مفردات بعضی از آیات نیاز به توضیح ندارد.

آیه این بود «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»؛

إِذْ.

اولین واژه‌ای که در این آیه می‌بایست درباره آن سخن گفته شود، کلمه «إِذْ» هست. در مورد «إِذْ» از دو جهت می‌توانیم بحث کنیم:

جهت اول: زیادت یا اصالت إِذْ

جهت اول اینکه آیا «إِذْ» در اینجا یک کلمه زائده است یا اصیل؛ در این رابطه اختلاف است. مشهور بین مفسرین شیعه و سنی این است که «إِذْ» زائده نیست. اما طبری در تفسیر خود هر چند نام شخص خاصی را نمی‌برد ولی می‌گوید یکی از اهالی بصره که گفته شده با لغت عرب آشنا است، گمان کرده که إِذْ قَالَ رَبُّكَ به معنای قَالَ رَبُّكَ است. بر طبق این بیان «إِذْ» حرف زائد و بی معنا است. بعد وی نقل می‌کند که آن شخص استناد کرده به یک شعر و البته اشکالی هم کرده است.^۱ قرطبی هم این قول را ذکر کرده که «إِذْ» زائده است و البته مورد اشکال قرار داده و گفته این سخن اشتباه است. وی می‌گوید: معمر بن المثنی ابو عبیده به زیادت کلمه «إِذْ» قائل شده است و در ادامه بعضی از کسانی که به این قول اشکال کرده اند را نام می‌برد.^۲

به هر حال به غیر از این چند نفر نا آشنا که در برخی از کتب تفسیری از آن‌ها یاد شده، مشهور مفسرین شیعه و سنی قائل به زیادت «إِذْ» هستند. تفسیر طبری، تفسیر شیخ طوسی و از متأخرین هم جمع بسیاری این سخن را ذکر و رد کرده‌اند. به نظر می‌رسد که حق با مشهور است و همانطور که مشهور یا تقریباً اکثریت قریب به اتفاق مفسرین شیعه و سنی گفته‌اند، چه در بین متقدمین و چه در بین متأخرین، «إِذْ» زائد نیست. از لابه‌لای کلمات منکرین زیادت «إِذْ» ادله‌ای نیز قابل

^۱ . تفسیر طبری ج ۱ ص ۱۵۳.

^۲ . الجامع الأحكام القرآن ج ۱ ص ۲۶۲.

استفاده است که شاید مهمترین آن‌ها این است که اساساً وجود یک کلمه زائده در قرآن قابل قبول نیست؛ چون در قرآن به اعتقاد ما هیچ کلمه بی معنا وجود ندارد. حتی برخی گفته اند که اصلاً «إذ» زائده ندارد، چون «إذ» اسم و ظرف زمان است و حق این است که «إذ» واژه ای است دارای معنا و ظرف زمان است و به معنای «زمانی که» و «وقتی که» میباشد. پس زیادت «إذ» منتفی است و در نتیجه بی معنا بودن آنهم قابل قبول نیست.

جهت دوم: متعلق إذ

جهت دوم درباره «إذ» این است که «إذ» در جمله و در این آیه چه جایگاهی دارد و متعلق به کدام فعل است. به عبارت دیگر در جهت ثانیه بحث از متعلق «إذ» است.

اقوال

چهار قول در این رابطه وجود دارد:

۱. یک قول این است که در متعلق «إذ» دو احتمال وجود دارد و هیچکدام بر دیگری ترجیح ندارد.

احتمال اول: متعلق به فعل مقدر «أذكر» باشد. یعنی کأنّ تقدیر آیه این است و اذکر إذ قال ربك للملائكة... و معنایش این می شود، به یاد بیاور زمانی را که پروردگار تو اینچنین گفت به ملائکه.

احتمال دوم: متعلق به «قالوا» باشد که بعداً می آید، یعنی کأنّ معنای آیه این است: زمانی که پروردگارت به فرشتگان چنین گفت، آن‌ها اینچنین گفتند. پس در واقع «إذ» بر می گردد به قالوا. این قول را زمخشری در کشاف و طبرسی در جوامع الجامع ذکر کرده اند.

۲. قول دوم، قول فخر رازی است؛ فخر رازی از بین دو احتمال گفته شده، احتمال اول را ترجیح داده و معتقد است که «إذ» متعلق به فعل محذوف «أذكر» است. وی دلیل اضمار اذکر و تعلق «إذ» به این فعل را دو مطلب قرار داده است.

دلیل اول: این در ادبیات عرب متعارف است که در چنین مواردی فعل در تقدیر گرفته شود و متعلق «إذ» محذوف شود. **دلیل دوم:** نظیر این در بسیاری از مواضع قرآن کریم آمده است مانند «و اذکر عبدنا داوود»^۱، و «و اضرب لهم مثلاً اصحاب القرية إذ جاءه المرسلون» و «إذ أرسلنا عليهم اثنتین»^۲. در این موارد «إذ» متعلق به فعلی است که حذف شده است و آنهم «أذكر» است. فخر رازی سپس می گوید که به طور کلی این قاعده که «القرآن جاء كالكلمة الواحدة»، خیلی می تواند به ما کمک کند؛ چون اگر ما چنین گفتیم، می توانیم به بسیاری از آیات، واژه ها و جملات تمسک کنیم برای فهم آیات و کلمات دیگر و حتی ممکن است که از کلمات یک جمله بتوانیم برای تفسیر کلمه دیگر استفاده کنیم. اینکه همه قرآن مانند یک کلمه واحده است، یعنی همگی یک واحد به هم پیوسته اند. بر این اساس ما می توانیم در اینجا و به استناد اینکه در بسیاری از آیات «إذ» متعلق شده به «أذكر»، نتیجه بگیریم که در اینجا هم «إذ» متعلق به «أذكر» است که محذوف می باشد.

۱. سوره ص، آیه ۱۷.

۲. سوره یس، آیه ۱۳ و ۱۴.

در برخی از آیات «أذكر» به صراحت آمده و در برخی دیگر هم «أذكر» محذوف است. ولی به هر حال تعلق از به «أذكر» در بسیاری از مواضع قرآن مشاهده می‌شود.^۱

۳. قول سوم این است که «إذ» متعلق به «قالوا» است یعنی احتمال دوم ترجیح داده شده است؛ آوسی این قول را ذکر کرده.

۴. قول چهارم که بلاغی نقل می‌کند این است که «إذ» متعلق به یک فعل محذوفی است که سیاق کلام بر آن دلالت دارد مانند «جرت»، و كأن اینگونه است و «إذ» قال ربك للملائكة جرت، و معنایش این می‌شود، زمانی که پروردگار تو به فرشتگان گفت که من در زمین خلیفه ای قرار می‌دهم، قضایایی بین خدا و ملائکه جاری شد و اتفاق افتاد و بعد شروع می‌کند به نقل ما وقع.

بلاغی ضمن اینکه این قول را اختیار می‌کند، این احتمال را که «إذ» متعلق به أذكر باشد، ردّ می‌کند و می‌گوید که اگر قرار باشد متعلق «إذ» فعل محذوف «أذكر» باشد، لازمه‌اش این است که رسول خدا مأمور شده باشد به یاد آوری خصوص همین جمله ای که خدا به ملائکه فرمود مبنی بر اینکه إني جاعل في الأرض خليفة. آنوقت جملات بعدی دیگر با این ربطی نخواهند داشت. اگر «إذ» در صدر این آیه متعلق به «أذكر» محذوف باشد، دیگر بعد از «قالوا» ارتباطی با جمله‌های قبلی ندارد و در این صورت باید بر سر قالوا «فاء» می‌آمد و این طور می‌شد «و إذ قال ربك للملائكة إني جاعل في الأرض خليفة، فقالوا و اذكر إذ قال ربك للملائكة».^۲ این اشکالی است که نسبت به این مورد ذکر کرده‌اند.

به هر حال چهار قول بین مفسرین در مورد متعلق «إذ» وجود دارد، اما اینکه حق در مطلب چیست را بعداً عرض می‌کنم.
«والحمد لله رب العالمين»

۱. تفسیر کبیر ج ۲ ص ۱۷۴.

۲. آلاء الرحمن، ص ۸۲.